

اصول حاکم بر جاسوسی در مخاصمات مسلحانه بین المللی در معاهدات بین-المللی

مریم جعفری

کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشگاه پیام نور

چکیده

جاسوسی در معنی کسب اخبار و اطلاعات به صورت پنهانی برای دشمن به کار می‌رود. با توجه به تعارضات منافع کشورها امروزه مخاصمات مسلحانه به یک امر غیر قابل پیشگیری تبدیل شده است. جاسوسی یکی از ارکان مهم پیروزی در مخاصمات مسلحانه است. به دلیل همین اهمیت است که حقوق بین الملل نه تنها جاسوسی را به رسمیت شناخته است بلکه قواعدی را برای تعریف و تنظیم این پدیده ایجاد نموده است. اکثر قریب به اتفاق معاهدات بین المللی که در این زمینه ایجاد شده‌اند، ریشه در عرف های بین المللی دارند. معاهدات بین المللی از یک طرف هیچ گونه مسئولیتی برای دولت‌هایی که جاسوسی کرده‌اند در نظر نگرفته است و از سویی دیگر جاسوسان را دارای مسئولیت دانسته و قانون سرزمینی که علیه آن جاسوسی نموده‌اند را حاکم بر محاکمه وی دانسته است. همچنین معاهدات جاسوسی در سرزمین های بی طرف را رافع بی طرفی دولت های بی طرف ندانسته است. در معاهدات بین المللی، اصل عدم جاسوسی است مگر اینکه ثابت شود که افراد به صورت پنهانی، اخباری را برای دولت دشمن جمع آوری نموده اند.

واژه‌های کلیدی: مخاصمات مسلحانه، جاسوسی، معاهدات بین المللی.

مقدمه

مفهوم جاسوسی در حقوق بین الملل

ارائه تعریف جامع و مانع از جاسوسی که قابل تعمیم به تمام انواع جاسوسی باشد امکانپذیر نیست. گذشته از آن قلمرو زمانی و مکانی جاسوسی بنا به مورد متفاوت بوده است. در یک تعریف کلاسیک از جاسوسی می‌توان گفت که جاسوسی به معنی کسب اخبار و اطلاعات نظامی از دشمن است. این مفهوم از جاسوسی با گذشت زمان و مخاصمات مسلحانه دچار تغییر شده است. ماده ۲۹ مقررات ۱۹۰۷ لاهه، جاسوسی را چنین تعریف می‌کند: جاسوس کسی است که مخفیانه یا تحت عنوان واهی در منطقه عملیاتی دشمن به جمع آوری و انتقال اطلاعات برای دشمن اقدام می‌نماید. در حقوق بین الملل نوین با ایجاد رشته های مختلف حقوقی، هر رشته ای تعریف متفاوت از جاسوسی را ارائه داده است که قدر متیقن آنها "جست و جوی پنهانی اسرار درباره رقیب یا دشمن" است. می‌توان گفت که با تنوع جاسوسی در رشته های مختلف و توسعه آن، امکان تعریف جامع و مانع از جاسوسی امکانپذیر نبوده و باید بنا به مورد حقوق بین الملل این مفهوم را تعریف نمود.

در زمینه مخاصمات مسلحانه جاسوسی در همان معنای کلاسیک خود یعنی کسب اخبار و اطلاعات نظامی از دشمن در درگیری های زمینی، دریایی و هوایی به کار برده شده است.

تفاوت میان جنگ و صلح در نظام حقوقی مبتنی بر تمایز سرزمینی، در نظام حقوقی حاکم بر جنگ و نظام حقوقی حاکم بر صلح منعکس شده است. در تمایز سرزمینی، حقوق حاکم در زمان صلح بر مبنای قلمرو هوایی و بین المللی بنا شده است، حال آنکه جنگ بر این تمایز فائق شده و حاکمیت را تحت شعاع قرار می‌دهد و ممنوعیت جاسوسی در فضاهای ملی بین دول متخاصم رعایت نمی‌شود و جواز جاسوسی به تمامی عرصه های درگیری یعنی زمین، دریا، هوا خواه ملی و خواه بین المللی گسترش می‌یابد، علت این امر را باید در مفهوم حقوقی جنگ و مخاصمات مسلحانه مورد کنکاش قرار داد، چرا که در تحلیل حقوقی جنگ، اقدامات قهر آمیز مسلحانه که در چارچوب مناسبات کشورها (دو یا چند کشور) روی می‌دهد موجبات اجرای قواعد خاصی در کل مناسبات آنها با یکدیگر و همچنین با کشورهای ثالث می‌شود؛ و به این لحاظ است که ما شاهد عدم رعایت ممنوعیت های قانونی در زمان جنگ هستیم، با پذیرش این موضوع که جنگ حد و مرزهای حقوقی را نادیده می‌گیرد و جاسوسی به عنوان ابزاری توانمند در پیشبرد اهداف متخاصمان محسوب می‌شود.

جاسوسی در جنگ های زمینی

زمین عرصه اصلی حاکمیت و مهمترین و ابتدایی ترین عرصه مناقشات و مخاصمات بین دول بوده و به همین دلیل است که اولین قواعد حقوق بین الملل جنگ در این بعد ایجاد شده است. فرایند تدوین، قواعد عرفی حاکم بر جنگ زمینی را طی پیمان های بین المللی منسجم نمود و توسعه این قواعد جواز گردآوری اطلاعات در جنگ های زمینی را مورد تایید قرار داده است. اولین اسناد تهیه شده درباره حقوق بین الملل جنگ نشان دهنده ظهور اصول حاکم بر جاسوسی در جنگ های زمینی است. در سال ۱۸۶۳ میلادی آبراهام لینکلن، رییس جمهور وقت ایالات متحده امریکا، فرمان عمومی منتشر کرد که شامل توصیه هایی برای هدایت ارتش ایالات متحده در میدان جنگ بود که توسط فرانسیس لیبر و در هنگام جنگ داخلی امریکا تهیه شده بود. توصیه های مذکور جواز جاسوسی بین دول متخاصم را به رسمیت می‌شناخت. ماده ۱۰۱ ضمن بیان این اصل اساسی که فریب در جنگ به عنوان ابزار مشروع و لازم پذیرفته شده، مجازات اعدام را نسبت به عاملان عملیات مخفیانه و متقلبانه دشمن می‌دهد، چرا که این عملیات به همان حد که خطرناک هستند، مقابله و محافظت در مقابل آن سخت است^۱.

^۱. Instruction for the government of armies of the United States in the Field, Article 101, Washington, 24, April 1863 (Schindler: The laws of armed conflicts, 1988, p.16)

در سال ۱۸۷۴ کنفرانس بین المللی در بروکسل برگزار شد تا حقوق جنگ را مورد بررسی قرار دهد. پیش‌نویس معاهده پیشنهادی روسیه درباره حقوق و قواعد جنگ از توصیه‌های لیبر پیروی می‌کرد. بند ۵ ماده ۱۳ پیش‌نویس جواز جاسوسی در زمان جنگ را مورد تاکید قرار می‌داد با بیان این امر که استفاده از هرگونه وسیله در جهت گردآوری اطلاعات درباره سرزمین و نیروهای دشمن به عنوان یکی از لوازم پذیرفته شده جنگ لازم است. تطابق دیدگاه روسیه و امریکا در مورد جاسوسی نشان دهنده توافقی عمومی بر حقوق بین الملل حاکم بر جنگ بود.^۱ پس از بررسی پیشنهاد روسیه در سال ۱۸۷۴ کنفرانس بروکسل اعلامیه حقوق و قواعد جنگ را صادر کرد. این اعلامیه ضمن تجویز کسب اخبار و اطلاعات در مخاصمات مسلحانه مفهوم حقوق جاسوسی را گسترش داد. ماده ۱۴ اعلامیه فریب‌های جنگی را به عنوان یکی از لوازم قانونی جنگ به رسمیت می‌شناسد.^۲

در ادامه تدوین حقوق بین الملل جنگ در سال ۱۸۹۹ کنفرانس لاهه قواعد و مقررات حاکم بر جنگ‌های زمینی را به تصویب رساند. ماده ۲۴ معاهده بیان می‌دارد که استفاده از روش‌های لازم جهت کسب اطلاعات راجع به سرزمین و نیروهای دشمن مجاز تلقی می‌شود. با لازم الاجرا شدن معاهده و مقررات ضمیمه آن در سال ۱۹۰۰ اولین معاهده بین المللی چند جانبه حقوق حاکم بر جنگ که شامل جاسوسی نیز بود به وجود آمد.^۳

در سال ۱۹۰۷ کنفرانس بین المللی دیگری در لاهه به منظور بررسی و گسترش مقررات معاهده ۱۸۹۹ تشکیل شد. کنفرانس مذکور معاهده و مقررات ضمیمه معاهده ۱۸۹۹ را مورد بازبینی و تصویب مجدد قرار داد. ماده ۲۴ معاهده جواز جاسوسی در مخاصمات مسلحانه را مورد تایید مجدد قرار می‌دهد:

"حیله‌های جنگی و استفاده از ابزارهای لازم جهت کسب اطلاع راجع به سرزمین و نیروهای دشمن مجاز تلقی می‌شوند."^۴

ماده ۲۴ هیچ استثنائی بر اصل عمومی جواز جاسوسی وارد نمی‌کند و به همین علت هیچ محدودیتی بر جاسوسی در زمان جنگ وارد نیست.

مقررات مذکور تفاوتی آشکار میان اشخاص و دولت‌ها در مورد مسئولیت ناشی از جاسوسی به نمایش می‌گذارند، در حالی که دولت‌های متخاصم مجاز هستند تا به نواحی جنگی جاسوس بفرستند، جاسوسان جنگی اگر دستگیر شوند مشمول صلاحیت کیفری کشور دشمن هستند. سربازان اسیر مشمول برخورداری از حقوق اسرای جنگی هستند در حالی که جاسوسان جنگی از چنین حمایتی برخوردار نیستند.

همچنین در سال ۱۹۰۷ کنفرانس لاهه معاهده‌ای در مورد حقوق و وظایف افراد و قدرت‌های بی طرف در هنگام جنگ‌های زمینی را به تصویب رساند. این معاهده نشان دهنده تعادل ظریف میان منافع دولت بی طرف و دول متخاصم است. بند a ماده ۳ بر ارتباط میان نیروهای متخاصم در سرزمین بی طرف محدودیت اعمال نموده با بیان این امر که دول متخاصم از برقرار کردن ایستگاه رادیویی با هر وسیله دیگری جهت برقراری ارتباط با نیروهای متخاصم در سرزمین دولت بی طرف منع می‌شوند و ماده ۵ معاهده مذکور، دولت بی طرف را از انجام این امور در سرزمین خود باز می‌دارد. با وجود این به وسیله روش‌های دیگر ارتباط میان نیروهای متخاصم که در ماده ۸ مجاز شناخته شده است، این محدودیت تعدیل شده است:

"از دولت بی طرف نباید خواست تا از طرف نیروهای متخاصم استفاده از کابل‌های تلفن و تلگراف خود را ممنوع یا محدود نماید."^۱

^۱ Russia: Draft convention on the laws and customs of war, Article 13, Brussels, 27 July 1874 (Lorimar: The institution of the law of nations, Vol.II, 1884, pp.357- 358)

^۲ International Declaration on the laws and customs of war, Article 14, Brussels, 27 August 1874 (Schindler: The laws of armed conflicts, 1988, p.29)

^۳ Convention and Regulations on the laws and customs of war on land, Article 24, The Hague, 29 July 1899.

^۴ Convention and regulations on the laws and customs of war on land, Article 24, The Hague, 18 October 1907.

در نتیجه معاهده مذکور استفاده از لوازم ارتباطی دولت بی طرف را توسط دول متخاصم به منظور جاسوسی می‌پذیرد و می‌توان گفت: بی طرفی دولت، جاسوسی در سرزمینش را محدود ساخته اما ممنوع نمی‌کند. رفتار دولت‌ها آن هنگام که قواعد راجع به جاسوسان جنگی در زمان جنگ جهانی اول به اجرا گذاشته شد نشان دهنده اجرای مقررات معاهده مذکور بود. پرونده ماتاهاری از شهرت خاصی برخوردار است. او اسرار دولتی فرانسه را به سازمان جاسوسی آلمان انتقال می‌داد از آن جایی که او به طور پنهانی در سرزمین دشمن فعالیت می‌کرد، تعریف جاسوس جنگی بر طبق مقررات لاهه در مورد او صدق می‌کرد. بر همین مبنا او به جاسوسی محکوم و بر طبق حکم دادگاه نظامی فرانسه محکوم به اعدام شد. با این وجود از آن جایی که قواعد لاهه به دول متخاصم اجازه کسب اطلاعات راجع به دشمن را می‌داد هیچ اعتراضی به دولت آلمان وارد نبود.^۲

آغاز جنگ جهانی دوم همگام بود با استفاده از ابزارها و فناوری‌های نوین دول متخاصم در جمع‌آوری اخبار و اطلاعات و پی بردن این دول به نقش بنیادین و استراتژیک اطلاعات اکتسابی در میدان نبرد که موجبات شدت و حدت برخورد با جاسوسان جنگی را سبب شد. گاه مشاهده می‌شد که جاسوسان بدون محاکمه به اشد مجازات محکوم می‌شدند که می‌توان به اعدام جاسوسان انگلیسی از جانب آلمان‌ها در سال ۱۹۴۴ اشاره کرد.^۳ بدین سبب جامعه جهانی با درک عدم پاسخگویی قواعد و مقررات بین‌المللی به نیازهای حاکم در مخاصمات مسلحانه اقدام به وضع قواعد و مقررات حمایتی از جاسوسان نمود تا ضمن حمایت از امنیت ملی دول متخاصم، حقوق جاسوسان نیز در صورت دستگیری مد نظر قرار گیرد. بر این اساس در سال ۱۹۴۹ اجلاس ژنو معاهده حمایت از اشخاص غیر نظامی در زمان جنگ را به تصویب رساند. معاهده مذکور دربرگیرنده قواعد و مقررات قابل تأملی است که تا آن زمان اسناد بین‌المللی به آن نپرداخته بودند. از جمله این قواعد می‌توان به مقررات حاکم بر دادرسی، محاکمه و مجازات جاسوسان که مانعی در جهت جلوگیری از اقدامات خودسرانه حاکمیت‌ها در مجازات جاسوسان بود اشاره نمود. به رغم وجود قواعد مترقیانه در کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو، خلأ تعریف جامع و مانع از جاسوسی مشهود به نظر می‌رسید. بر این اساس در سال ۱۹۷۷ اجلاس ژنو با تصویب پروتکل حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و با به کارگیری عبارات حصری مانع از گسترش جاسوسی به افراد تحت حمایت گردید. ملاحظه و مذاقه در بندهای ۲ و ۳ ماده ۴۶ پروتکل مذکور، حاکی از آن است که اصل بر عدم جاسوسی بوده مگر آنکه خلاف آن به اثبات برسد. به طور مثال بند ۳ ماده ۴۶ اشعار دارد به اینکه اعضا و نیروهای مسلح یک طرف مخاصمه که در سرزمین طرف مقابل اقامت دارد جاسوس به شمار نمی‌رود مگر اینکه به جمع‌آوری اطلاعات در داخل آن سرزمین مبادرت ورزد.^۴

تاریخ حقوق بین‌الملل مخاصمات مسلحانه بیانگر وجود جاسوس‌های مختلف در عرصه مخاصمات و برخورد قاطع حاکمیت‌ها با آن بوده که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم.

مشهورترین جاسوس جنگ جهانی دوم ریچارد سورج نام داشت که شبکه جاسوسی شوروی را در ژاپن سرپرستی می‌کرد و در سال ۱۹۴۱ او از طریق سفارت آلمان در توکیو در مورد حمله آتی آلمان به شوروی اطلاعاتی به دست آورد و اخبار مربوط را از طریق رادیو به مسکو منتقل نمود. پس از آن در سال ۱۹۴۱ او از طریق وزارت امور خارجه ژاپن اطلاعاتی را در مورد حمله قریب‌الوقوع ژاپن به ایالات متحده آمریکا، نواحی تحت کنترل بریتانیا و هلند در اقیانوس آرام را به مسکو منتقل کرد. پس از مدت کوتاهی، سرویس امنیتی ژاپن او را دستگیر کرد و نهایتاً او اعدام شد. اگر چه فعالیت‌های او در زمان مخاصمه آلمان و انگلستان و سپس آلمان و شوروی صورت گرفت، اما فعالیت‌های او در زمان بی‌طرفی ژاپن و پیش از ورود این دولت به جنگ روی داد.^۵

^۱ Convention on the rights and duties of neutral powers and persons in war on land, Article 8, The Hague, 18 October 1907 (Schindler laws of armed conflicts, 1988, p.943.)

^۲ Mata Hari case, Paris, 1917 (Seth: Encyclopedia of espionage, 1972, pp.379-384)

^۳ Roberts, Documents on the laws of war, 1989, p.330.

^۴ Pictet, Commentary to the convention on espionage of war, 1980, pp.163-164.

^۵ Richard Sorge case, Tokyo, 1941.

یک شبکه دیگر جاسوسی شوروی که اهمیت نسبتاً زیادی داشت در زمان جنگ جهانی دوم در سوئیس فعالیت می‌کرد که سرپرست آن رودلف راسلر بود. در ۱۹۴۱ او به وسیله اطلاعاتی که از آلمان کسب کرده بود نقشه‌های آلمان را جهت حمله به شوروی به مسکو گزارش داد. در طول جنگ جهانی دوم او به فعالیت‌های جاسوسی خود در لوای سرزمین بی طرف سوئیس ادامه داد و اطلاعات بیشتری در مورد نقشه‌های نظامی آلمان به اتحاد شوروی گزارش داد. با وجود این فعالیت‌های او خدشه‌ای به بی طرفی سوئیس وارد نکرد.^۱

حقوق بین الملل در صدد ایجاد تعادل میان منافع دول متخاصم است اگر چه ارتکاب جاسوسی مسئولیت دولت متخاصم را به دنبال ندارد ولی جاسوسان جنگی مشمول صلاحیت کیفری دولت دشمن هستند.

مفهوم مخفیانه بودن فعالیت‌های جاسوسی، منعکس کننده دشواری تشخیص ورود نیروهای دشمن به سرزمین خودی در جنگ‌های زمینی است.^۲ در حالی که جواز کسب اخبار و اطلاعات زمینه مشاهده آشکار را فراهم می‌سازد، ضمانت اجرای جاسوسی بررسی مخفیانه را محدود می‌سازد، این موضوعات نشان دهنده حد و مرزهای حقوقی جاسوسی در زمان جنگ است.

جاسوسی در جنگ‌های دریایی

بیشتر قواعد جاسوسی در زمان جنگ نه تنها در خشکی بلکه در دریا هم مورد پذیرش قرار گرفته است. از آنجایی که جنگ، حقوق دریایی مخصوص زمان صلح را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، علی‌رغم حاکمیت دولت ساحلی بر دریای سرزمینی و صلاحیت قضایی دولت صاحب پرچم در دریاهای آزاد، جنگ ممکن است به دریای سرزمینی دول متخاصم گسترش یابد و کشتی‌های دول متخاصم را در دریای آزاد درگیر و موجبات نادیده گرفته شدن حاکمیت و صلاحیت قضایی دولت‌ها گردد. در تضاد با قواعد و مقررات حاکم بر مخاصمات، ساختار حقوقی بی طرف، از دریای سرزمینی دولت‌های بی طرف و کشتی‌های بی طرف در دریای آزاد حمایت می‌کند. حقوق جنگ دریایی به تدریج و به وسیله عملکرد عمومی دولت‌ها به وجود آمده است. اگر چه تقنین موجب پیدایش معاهدات بین‌المللی در مورد بی طرفی در جنگ دریایی شده است ولی بیشتر قواعد راجع به مخاصمه مسلحانه در جنگ‌های دریایی از حقوق بین‌الملل عرفی نشأت می‌گیرد. این قواعد به طور کلی جواز کسب اطلاعات در زمان جنگ به رسمیت می‌شناسد.^۳ دوره آغازین تدوین در مورد مخاصمات مسلحانه دریایی با مسائل امنیتی ناشی از بی طرفی در جنگ دریایی مشخص شده است. در سال ۱۸۶۸ مقررات مصوب کنفرانس ژنو، منافع متضاد دول متخاصم و بی طرف را در زمان جنگ دریایی مورد شناسایی قرار داد. ماده ۱۰ ارتباطات میان کشتی‌های بی طرف را تحت کنترل اصل سری بودن عملیات نظامی دول متخاصم قرار می‌دهد. دول متخاصم از حق منع اطلاع رسانی کشتی‌های بی طرف در مورد هر پیام یا موضوعی که آن را بر ضرر عملیات خود می‌دانند برخوردارند.^۴ از سوی دیگر دول بی طرف نیز نیازمند حمایت قانونی مشابه هستند.

در سال ۱۸۹۸ انجمن حقوق بین‌المللی قطعنامه‌ای تصویب کرد که شامل مقرراتی راجع به وضعیت حقوقی کشتی‌ها و خدمه آنها در بنادر بیگانه بود. ماده ۴۲ مقررات مذکور جاسوسی به نفع دول متخاصم را در بنادر بی طرف منع می‌کند:

"کشتی‌های دول متخاصم در بنادر بی طرف باید از هرگونه جاسوسی خودداری نمایند"^۵.

تدوین عمومی در مورد حقوق جنگ منجر به ایجاد نظام خاص حقوقی در مورد بی طرفی در جنگ دریایی شده است. در سال ۱۹۰۷ کنفرانس لاهه معاهده‌ای راجع به حقوق و وظایف دول بی طرف در زمان جنگ دریایی به تصویب رساند. معاهده می-

^۱ Rudolf Rössler mission, Geneva, 1941.

^۲ Baxter, Unprivileged Belligerency: Spies and saboteurs, British yearbook of international law, 1951, pp.323-345.

^۳ Ingrid Delupis, Foreign warships and immunity for espionage, American journal of international law, 1984, p.53.

^۴ Additional articles on the wounded in naval war, Article 10, Geneva, 20 October 1868.

^۵ Institute of international law: Regulations on ships in foreign ports, Article 42, The Hague, 23 August 1898.

کوشد تا میان منافع دول متخاصم و بی طرف هماهنگی برقرار نماید. طبق ماده ۵ دول متخاصم در استفاده از بنادر و آب های بی طرف به عنوان پایگاهی برای عملیات نظامی علیه دشمن خود و خصوصاً از ایجاد ایستگاه بی سیم و یا هر تجهیزات دیگری جهت ارتباط برقرار کردن با نیرو های نظامی در خشکی و دریا منع شده اند. محدودیت وارد بر ارتباطات دول متخاصم در دریای بی طرف، تعهدی مشابه را بر دول بی طرف مبنی بر جلوگیری از چنین فعالیت هایی تحمیل می کند. ماده ۲۵ حق کنترل بی طرفانه فعالیت های دول متخاصم را برای دولت بی طرف در آب های سرزمینی را فراهم می سازد:

"دولت بی طرف مکلف است تا کنترل بی طرفانه را در حد امکانات خود جهت جلوگیری از هرگونه نقض مقررات در بنادر، لنگرگاه ها و دریاهای خود به عمل آورد".^۱

با وجود این طبق ماده ۱۰ بی طرفی یک دولت به مجرد عبور کشتی های جنگی و کشتی های به غنیمت گرفته شده متعلق به دول متخاصم از آب های سرزمینی آن دولت نقض نمی شود و در هنگام عبور از دریای سرزمینی بی طرف ممکن است از امکان کسب اطلاع از نیروی دریایی دولت متخاصم در منطقه برخوردار شوند. در نتیجه جاسوسی دول متخاصم در آب های بی طرف محدود شده اما ممنوع نگشته است. در سال ۱۹۰۹ کنفرانس بین المللی لندن اعلامیه ای راجع به حقوق جنگ دریایی به تصویب رساند طبق بند ۴ ماده ۴۶ اعلامیه لندن:

"کشتی بی طرف مصادره خواهد شد و به طور کلی با آن همان معامله ای می شود که با یک کشتی تجاری دشمن می شود اگر کشتی مذکور در آن زمان اختصاصاً به مخابره اطلاعات به نفع دشمن مشغول باشد".^۲

اگر چه اعلامیه مذکور از موقعیت معاهده برخوردار نیست، اما قواعد آن از جمله قواعد مربوط به جاسوسی دول بی طرف در زمان جنگ می باشد که به حقوق بین الملل عرفی راه یافته است.

قواعد بی طرفی در جنگ دریایی از سوی دیوان دائمی بین المللی دادگستری در پرونده ویمبلدون مورد امعان نظر قرار گرفت. در پی ممانعت آلمان از عبور کشتی انگلیسی ویمبلدون از کانال کیل در سال ۱۹۲۱ که حامل اسلحه برای لهستان بود در زمان جنگ روسیه و لهستان، دول متفق علیه آلمان اقامه دعوا کردند. خواهان ها به ماده ۳۸۰ معاهده ورسای استناد می کردند که بیان می کند کانال کیل و ورودی های آن باید به روی تمام کشتی های جنگی و تجاری تمام مللی که با آلمان در صلح هستند و بر مبنای برابری کامل باز باشد. آلمان ادعا می کرد که اجازه عبور کشتی که کالاهای ممنوعه حمل می کند از کانال کیل با بی طرفی آلمان در جنگ میان لهستان و روسیه مطابقت ندارد. در حکم سال ۱۹۲۳، دیوان بر پذیرش عبور حتی دول متخاصم از دریای سرزمینی دولت بی طرف اعلام نظر نمود:

"استفاده از آبراه های بزرگ بیم المللی خواه از سوی کشتی های جنگی متخاصم و خواه از سوی کشتی های تجاری بی طرف یا متخاصم حامل کالاهای ممنوعه، با بی طرفی دولت ساحلی ناسازگار نیست. هنگامی که یک آبراه مصنوعی که دو دریای آزاد را به هم متصل می کند به طور دائمی به استفاده تمامی کشورهای دنیا اختصاص یافته است آبراه مذکور مشابه تنگه ای طبیعی تلقی می شود و از این حیث حتی عبور کشتی جنگی دولت متخاصم، بی طرفی دولتی که آب های مذکور در حوزه صلاحیت آن قرار دارد را تحت تاثیر قرار نمی دهد".^۳

این حکم مفاهیم تلویحی گسترده تری را در مورد عبور از آب های بی طرف در بر دارد مانند حمل کالاهای ممنوعه، ماموریت مخابره اطلاعات و ... که این اقدامات بی طرفی کشتی را تحت تاثیر قرار می دهد و این موضوع ارتباطی با بی طرفی دولت ساحلی ندارد.

¹ Convention on the rights and duties on neutral powers in naval war, Article 25, The Hague, 18 October, 1907.

² Declaration concerning the laws of naval war, Article 46, London, 26 February 1909.

³ Permanent court of international justice: Wimbledon case, Judgment, 17 August 1923.

با در نظر گرفتن ماده ۱۰ معاهده لاهه در مورد بی طرفی در جنگ دریایی، بی طرفی یک دولت حتی با عبور کشتی‌های جنگی دول متخاصم از دریای سرزمینی آن تحت تاثیر قرار نمی‌گیرد. پرونده ویملدون تلویحاً جواز عبور کشتی‌های جاسوسی از آب‌های بی طرف را در زمان جنگ دریایی تایید می‌کند.

عملکرد عمومی دولت‌ها در جنگ جهانی دوم نشان دهنده اهمیت حیاتی جاسوسی دریایی در جنگ بود. ردگیری کشتی‌های جنگی تاثیر به‌سزایی در نتیجه بسیاری از جنگ‌های دریایی بزرگ داشت.

در سال ۱۹۴۲ سازمان جاسوسی ایالات متحده آمریکا رمز پیام‌های نیروی دریایی ژاپن را شکست و از مفهوم پیام‌های رادیویی از حمله ژاپن به بندر مرزبی در گینه نو آگاه شد. در نبرد دریایی (دریای مرجانی) ایالات متحده آمریکا جلوی پیشروی نیروی دریایی ژاپن در اقیانوس آرام جنوبی را گرفت.^۱ همچنین در سال ۱۹۴۲ شنود پیام‌های دریایی ژاپن، آماده شدن ژاپنی‌ها را برای حمله به جزیره میدوی در غرب هاوایی را فاش ساخت. در نبرد میدوی نیروی دریایی آمریکا، ناوگان ژاپنی را با تحمل خسارت فراوان وادار به عقب نشینی کرد. جاسوسی دریایی به شرح گفته شده عاملی تاثیرگذار در نبردهای دریایی بود.^۲

قواعد و مقررات بین‌المللی حاکم بر جاسوسی در جنگ‌های دریایی تمایز بین بی طرفی و متخاصمه را منعکس می‌نماید. اگر چه افرادی که به طور مخفیانه اوضاع و احوال دریایی را تحت نظر قرار داده و مبادرت به جمع‌آوری اخبار و اطلاعات می‌کنند به عنوان جاسوس جنگی تلقی می‌شوند ولی اهمیت غیر قابل انکار ملاحظات دریایی، دول متخاصم را مجاب به کسب اطلاعات می‌نماید. هر چند که آبراه‌های بین‌المللی و کشتی‌های بی طرف نباید برای انتقال اطلاعات به دول متخاصم به کار روند با وجود این کشتی‌های متخاصم در حال عبور از آب‌های بی طرف می‌توانند ملاحظاتی از دشمن داشته باشند و دول بی طرف محق در بازدید و کنترل چنین عبوری به منظور اثبات بی طرفی خود و اینکه دولت متخاصم منطبق با قواعد بی طرفی عمل نموده می‌باشند. چنانچه قواعد بی طرفی رعایت نگردد دولت متخلف، چه بی طرف و چه متخاصم به وظایف خودداری یا عدم جانب‌داری عمل نکرده قاعدتاً دارای مسئولیت بین‌المللی خواهد بود؛ اما از آنجا که در این زمینه نفوذ سیاست بسیار گسترده و تعیین کننده است، مسائل به طور شایسته مورد حل و فصل حقوقی قرار نمی‌گیرد، چه از باب مسئولیت‌های دولت بی طرف نسبت به دولت‌های متخاصم و چه از نظر مسئولیت دولت‌های متخاصم نسبت به دولت‌های بی طرف.^۳

جاسوسی در جنگ‌های هوایی

قواعد اساسی حقوق جنگ نه تنها در خشکی و دریا بلکه در هوا نیز قابل اجرا است. جنگ به قاعده حاکمیت دولت بر قلمرو هوایی و صلاحیت قضایی دولت صاحب پرچم بر هواپیمای در حال پرواز در فضای بین‌المللی پایان می‌دهد.

دول متخاصم می‌توانند نبرد را در قلمرو دریایی و هوایی و دریای سرزمینی و دریاها آزاد ادامه دهند. با وجود این درگیری نباید به فضای سرزمین‌های بی طرف و یا هواپیمای بی طرف در فضای بین‌المللی سرایت یابد. آغاز هوانوردی موجب تحول حقوق جنگ‌های هوایی شد. قواعد خاصی د طی فرایند قانونگذاری به وجود آمد اما نظام اساسی حقوق جنگ‌های هوایی به وسیله عملکرد حقوقی دولت‌ها شکل گرفت.^۴

اولین معاهده بین‌المللی راجع به جنگ حوزه خود را به جاسوسی هوایی گسترش داد. مقررات الحاقی به معاهده سال ۱۸۹۹ لاهه راجع به حقوق و قواعد حاکم بر جنگ زمینی شامل ماده‌ای در مورد هوانوردان و در مبحث تعریف جاسوسان جنگی بود.

^۱ Battle of the coral sea, South pacific, 1942 (Chronology of the second world wae, 1979. Pp.240-243)

^۲ Bill J. O'connell, The influence of law on sea power, 1975, pp.17-29. And Jaris, Sea power and the law of sea, 1976, pp. 75-76.

^۳ شارل روسو، حقوق مخاصمات مسلحانه، ترجمه سید علی هنجنی، انتشارات دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۱۱.

^۴ Kay, Hailbronner, Freedom of the air, American journal of international law, 1983. P.513.

بر طبق ماده ۲۹ مقررات مذکور اشخاصی که به وسیله بالن جهت کسب اطلاع اعزام شده اند جاسوس محسوب نمی‌شوند. این قاعده در مقررات الحاقی معاهده ۱۹۰۷ لاهه در مورد حقوق و قواعد جنگ زمینی مورد تاکید مجدد قرار گرفت. ماده ۲۹ مقررات مذکور هوانوردان را جزء جاسوسان جنگی قرار نمی‌دهد، با بیان این عبارت که اشخاص زیر جاسوس محسوب نمی‌شوند:

" اشخاصی که به وسیله بالن اعزام شده اند تا مراسلات را تحویل دهند و به طور کلی ارتباط میان قسمت های مختلف ارتش را برقرار نمایند و ...".

با وجود این، حمایت مذکور صرفاً مشمول کسانی می‌شود که ماموریت خود را به صورت آشکار انجام می‌دهند، بر خلاف حکم فوق هوانوردانی که به نحو پنهانی اقدام می‌نمایند، طبق ماده ۲۹ جاسوس محسوب می‌شوند.^۱

قانونگذاری در زمینه جنگ‌های هوایی منجر به ایجاد مقررات خاص در زمینه جاسوسی گردید. در سال ۱۹۱۱ در نشست مادرید انجمن حقوق بین الملل قطعنامه‌ای را به تصویب رساند که شامل پیش‌نویس معاهده‌ای در نظام قضایی حاکم بر هواپیماها بود. ماده ۷ معاهده مذکور جاسوسی هوایی را محدود به فعالیت های مخفیانه کرد:

" یک هواپیما فقط هنگامی می‌تواند به جاسوسی متهم شود که مخفیانه عمل نماید یا اینکه با بهانه های واهی اقدام نماید و به این طریق در لوای فعالیت‌های خود اطلاعاتی را به دست آورد یا آنکه در به دست آوردن اطلاعات بکوشد، خواه بر فراز سرزمین ملی و یا سرزمین اشغال شده از سوی نیروهای متخاصم و یا بر فراز دریاهای آزاد بر روی ناوگان و یا کشتی‌های جنگی و به طور کلی در مناطق عملیاتی نیروهای متخاصم به منظور کسب اطلاعات برای نیروهای دشمن فعالیت نماید.

بر خلاف حکم فوق مفهوم مخالف ماده ۷ تاکید می‌کند، سربازانی که بدون لباس مبدل در ماموریت های جاسوسی در هواپیماها به کار گماشته شده‌اند و کسانی که به وسیله هواپیما اعزام شده‌اند تا مراسلات نظامی را منتقل سازند و به طور کلی ارتباط میان قسمت‌های مختلف ارتش با یک کشور را برقرار نگه دارند جاسوس تلقی نمی‌شوند. در حالی که هواپیماهای جنگی هنوز در مراحل اولیه خود بودند و نیروهای هوایی اهمیت استراتژیکی چندانی نداشت، پاره ای فعالیت های نظامی از کسب اطلاعات از طریق هوا در جنگ جهانی اول صورت گرفت به هر حال با آشکار شدن امکان نبردهای هوایی و قابلیت بالقوه نبردهای هوایی، گام‌هایی جهت قانونگذاری در این زمینه خاص برداشته شد. در سال ۱۹۲۳ در لاهه کمیسیونی از حقوقدانان گزارشی کلی را به تصویب رسانید و مقرراتی راجع به حقوق جنگ‌های هوایی به آن ضمیمه کرد. ماده ۱۶ مقررات مذکور جاسوسی هوایی را در زمره تعاریف مخاصمه قرار داد و بیان کرد که اصطلاح مخاصمه شامل انتقال اطلاعات نظامی در هنگام پرواز به منظور استفاده سریع نیروهای دشمن نیز می‌شود علاوه بر این، ماده ۴۷ جاسوسی را از طریق فضای بی‌طرف منع می‌کند:

" دولت بی طرف مکلف است تا در حد امکانات خود از مشاهده حرکات، عملیات و امکانات دفاعی دولت متخاصم به منظور اطلاع به دولت متخاصم دیگر در فضای هوایی خود جلوگیری نماید."

اگر چه قواعد مذکور در حقوق بین الملل هیچ قدرت الزام آوری ندارد اما شکل دهنده رفتار دولت‌ها در مورد جنگ‌های هوایی بوده است.

نیروی هوایی عامل موثری در جنگ جهانی دوم بود و جاسوسی هوایی نقش عمده‌ای در نتیجه نهایی نبردها داشت.^۲ در سال ۱۹۴۰ و در راستای آماده شدن آلمان برای حمله به انگلستان، نیروی هوایی آلمان حملات هوایی سنگینی به منظور به دست

^۱ Nicholas Grief, Public international law in the airspace, 1992. P.462.

^۲ Cesare Salmagi, Chronology of the second world war, 1979,p.74.

آوردن کنترل هوایی بر روی ساحل و کانال مانس در جنوب شرقی انگلستان انجام داد. در هنگام نبرد گردآوری اطلاعات از سوی نیروی هوایی انگلستان به جنگنده‌های انگلیسی امکان داد تا بر بمب افکن‌های آلمانی خسارات سنگینی وارد نمایند تا برتری هوایی بریتانیا را حفظ نمایند و مانع حمله آلمان شوند.^۱ در پی اشغال نروژ از سوی آلمان، دولت آلمان اقدام به تولید آب سنگین در ناحیه هاردنجر نروژ اشغالی نمود تا بمب اتمی خود را تکمیل نماید. کسب اطلاعات از سوی نیروی هوایی انگلستان موقعیت مکانی محل تولید آب سنگین را فاش کرد و تخریب آن را از طریق یک حمله چریکی نیروهای انگلستان تسهیل نمود. جاسوسی استراتژیکی نیروی هوایی انگلستان از این طریق مانع تکمیل سلاح‌های هسته‌ای آلمان شد.^۲

گردآوری کامل اطلاعات هوایی پیش از پیاده شدن نیروهای بریتانیایی و امریکایی و سایر متفقین در فرانسه اشغالی در سال ۱۹۴۴ تمرکز نیروهای آلمانی را در کنار کانال مانس تایید کرد و شکاف‌های موجود در نیروهای دفاعی آلمان در ساحل نورماندی را آشکار ساخت. انتخاب سرنوشت ساز محل پیاده شدن نیروها با موفقیت نهایی عملیات نورماندی که منجر به مراحل پایانی جنگ در اروپا شد توجیه گردید.

قواعد و مقررات بین‌المللی حاکم بر مخاصمات مسلحانه و بد طرفی، قواعد ناظر بر جنگ‌های هوایی را تقسیم بندی می‌کند. با در نظر گرفتن اهمیت نظارت هوایی در هنگام درگیری، دولت‌های متخاصم حق دارند که دست به چنین فعالیت‌هایی بزنند در حالی که مسئولیت اشخاص مشغول جاسوسی بسته به مخفیانه بودن رفتار آنها دارد. موقعیت بی‌طرفی محدودیت‌های بیشتری را بر مشاهده هوایی تحمیل می‌نماید. به منظور حمایت از امنیت نیروهای متخاصم ممنوعیت جاسوسی هم به آسمان بی‌طرف و هم به هواپیمای بی‌طرف گسترش می‌یابد. این سیاست در نظام حقوقی جاسوسی هوایی در زمان جنگ حاکم است.

نتیجه

جاسوسی به معنای قدرت دانستن است. در یک تعریف کلاسیک از جاسوسی می‌توان گفت که جاسوسی کسب اخبار و اطلاعات از دشمن و به صورت نهانی است. این تعریف کلاسیک بهترین تعریف از جاسوسی در زمینه مناقشات مسلحانه و نظامی است. مردم کشورها به جاسوسان به چشم خائنین به ملت می‌نگرند و این امر زمینه سوء استفاده دولت‌ها از احساس تنفر مردم فراهم می‌نماید. به دلیل همین اهمیت است که حقوق بین‌الملل در کنوانسیون‌ها و معاهدات بسیاری نه تنها جاسوسی را به عنوان یک استراتژی مورد پذیرش قرار داده است بلکه تلاش نموده تا قواعدی را به منظور حکومت بر دولت‌ها در مورد جاسوسی در مورد جنگ در زمین و دریا و هوا ایجاد نماید و در نتیجه این قواعد عرفی را به صورت مدون در آورده است. در معاهده لاهه در سال ۱۸۹۹ به طور رسمی و مطلق جاسوسی مورد پذیرش قرار گرفته است. به موجب معاهدات بین‌المللی مسئولیت برابری برای دولت‌ها و افراد جاسوس در نظر گرفته نشده است. به این معنی که در صورت کشف جاسوسی، دولت‌ها فاقد مسئولیت بین‌المللی اند ولی افراد دارای مسئولیت اند و به موجب قانون کشوری که در آن جاسوسی نموده‌اند محاکمه خواهند شد. همچنین به موجب معاهدات بین‌المللی، اعمال جاسوسی از سوی کشور های متخاصم در محدوده کشورهای بی‌طرف، موجب خروج این کشورها از بی‌طرفی نخواهد بود.

در زمینه مخاصمات مسلحانه در دریاها هم به موجب قواعد عرفی حقوق بین‌الملل که به مرور زمان در معاهدات به طور مدون ذکر شده‌اند، کشتی‌ها و افراد دولت متخاصم حق ندارند در دریای سرزمینی کشوری بی‌طرف جاسوسی نمایند. ولی از سویی دیگر دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری در دعوی ویمبلدون اعلام نمود که دولت‌های متخاصم حق عبور از دریای سرزمینی کشورهای بی‌طرف را حتی در صورت حمل کالاهای ممنوعه خواهند داشت که این امر خود شامل انجام جاسوسی در دریای سرزمینی دول بی‌طرف هم می‌باشند.

^۱ Battle of Britain, Southeast England, 1940,

^۲ Bombing of Hardanger, Southern Norway, 1944.

در زمینه مخاصمات مسلحانه در آسمان، معاهدات بین المللی اصل نوینی را در جاسوسی به رسمیت شناختند و آن اصل عدم جاسوسی بود. بر اساس این اصل هیچ هواپیما و پرنده‌ای جاسوس نیست مگر اینکه به صورت پنهانی و به بهانه‌های واهی به منظور کسب اطلاع از نیروهای دشمن در فضای دولت متخاصم یا بی طرف یا دریای آزاد پرواز کند.

منابع:

۱. آلم، ژان پیر، جاسوسی و ضد جاسوسی، ترجمه ابوالحسن سرو مقدم، بیتا، ۱۳۸۷.
۲. آکهرست، مایکل، حقوق بین الملل نوین، ترجمه بهمن آقایی، تهران، انتشارات دفتر خدمات حقوق بین الملل، ۱۳۷۶.
۳. استروفسکی، ویکتور، راه نیرنگ، ترجمه محسن اشرفی، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۰.
۴. اشرفی، ارسلان، جاسوسی به نفع اجانب، شیراز، انتشارات تخت جمشید، ۱۳۸۰.
۵. جزائری، سعید صالح، جاسوسی، ترجمه عباس سعیدی فر، تهران، نشر سکه، ۱۳۶۴.
۶. جوادی، حسن، جاسوسی، تهران، گروه پژوهشگران ایران، ۱۳۷۹.
۷. ذوالعین، پرویز، حقوق دیپلماتیک، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
۸. روسو، شارل، حقوق مخاصمات مسلحانه، ترجمه سید علی هنجنی، تهران، انتشارات دفتر خدمات حقوقی بین المللی، ۱۳۷۴.
۹. ساجدی، احمد، سازمان های جاسوسی دنیا، تهران، انتشارات محراب قلم، ۱۳۶۸.
۱۰. ساریخانی، عادل، جاسوسی و خیانت به کشور، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸.
11. Booth, Ken, War, Security Environment Working Group, the future security environment, Washington DC, The pentagon, October 1988.
12. Bussan, Barry, People, States and Fair, 2 ed, Boulder, Co: Lynne Renner, 1991.
13. Preuss, L, Consular Immunities, American Journal of international law, 1979.
14. Taishoff, Marika, State Responsibility and the Direct Broadcasting Satellite, London, 1987.
15. Smith and Hogun, Criminal law, 6 ed, London, 1988.

Principles Governing Spying in International Armed Conflict in International Treaties

Maryam Jafari

Master of International Law, Payame Noor University

Abstract

Spying means getting news and secret information for enemies. Given the conflicts in the interests of countries today, armed conflicts have become an unforeseen event. Spying is one of the key pillars of victory in armed conflict. It is important for international law not only to recognize spying, but also to establish rules for defining and regulating this phenomenon. The vast majority of international treaties that have been created in this area are rooted in international conventions. On the one hand, international treaties do not take any responsibility for the states that have spied, and on the other hand, the spies have a responsibility and the law of the land spying against them has been ruled by his trial. Also, espionage treaties in neutral lands did not undermine the neutrality of neutral states. In international treaties, the principle of non-espionage is not established unless it is proved that individuals have secretly collected news for the enemy state.

Keyword: Armed Conflict, Spying, International Treaties
